

# جهانی شدن و انقلاب ارتباطات

بهزاد پرویزی

کارشناس ارشد علوم سیاسی

## چکیده

جهانی شدن (globalization) به عنوان یک مفهوم نسبتاً جدید در چند دهه اخیر مورد توجه خیل عظیمی از اندیشمندان و صاحب‌نظران قرار گرفته است. این مفهوم برای بیان تغییرات رخ داده در عرصه‌های جهانی در حوزه‌های مختلف سیاست، اقتصاد، فرهنگ و ارتباطات، محیط‌زیست و ... به کار گرفته می‌شود. اصولاً باید ریشه‌های جهانی شدن را پس از وقوع انقلاب صنعتی در قرن هجدهم در اروپا جستجو کرد؛ چرا که پس از انقلاب صنعتی بود که بشر توانست معیارهای جهانی را در تولید و توزیع درک کند و جهانی‌اندیشیده و عمل کند. در واقع جهانی شدن معرف فرایندهایی است که جهانی عمل می‌کند. به طور کلی باید گفت که جهانی شدن بیانگر شدت سطح تعاملات، ارتباطات یا وابستگی بین کشورها و جوامع تشکیل‌دهنده جامعه جهانی است.

**کلید واژه‌ها:** جهانی شدن، ارتباطات، دهکده جهانی، دموکراسی

## مفهوم جهانی شدن

امروزه جهانی شدن به عنوان یکی از مفاهیم محوری در دهه پایانی قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم بسیاری از جریانات و پدیده‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را تحت الشعاع قرار داده است. در حقیقت باید گفت که جهانی شدن از یک سو یک چهارچوب مفهومی برای تبیین واقعیت‌های جاری جهان محسوب شده و از سوی دیگر مبین نوعی جهان‌بینی و اندیشیدن درباره جهان به عنوان یک منظومه کلان و به هم پیوسته می‌باشد. (۱)



موضوع جهانی شدن چند سالی است که نظر اندیشه‌ورزان، دولتمردان و کارگزاران حکومتی را در سراسر گیتی به خود مشغول ساخته است چرا که بر تمامی حوزه‌های فعالیت بشری از جمله حکومت و دولت، جامعه، اقتصاد، فرهنگ، محیط‌زیست و موارد دیگر تاثیر گذاشته و موجب تغییر شیوه تفکر و تلقی انسان‌ها از روابط اجتماعی شده و در عین حال از آنها تاثیر پذیرفته است. در حقیقت جهانی شدن به مفهومی تبدیل شده که حجم عظیمی از مصادیق را در بر گرفته به گونه‌ای که تقریباً همه کسانی که در پی تحلیل تحولات کیفی جهان هستند از آن استفاده می‌کنند و بسیار در مقام تبیین فرآیندهای جدید اجتماعی آن را به کار می‌گیرند. گرچه، هنوز بر سر ابعاد متفاوت این فرآیند چه در سطح تعریف و چه در سطح عوامل و پیامدهای آن توافقی حاصل نشده است. (۲)

به هر حال باید گفت که جهانی شدن به عنوان یک پارادایم اصلی در دوران کنونی همه شئون زندگی بشر را دستخوش تغییر و تحول ساخته است؛ چرا که در هم تنیدگی اقتصادهای جهان و تسلط سازمان‌های غیرملی بر آنها و شتاب فزاینده تحولات راه را برای فعالیت شبکه‌های فراملی در همه عرصه‌ها هموار کرده است. بنابراین جهانی شدن را نمی‌توان به آسانی نادیده انگاشت و از کنار آن بی‌تفاوت گذشت و یا برای مصون ماندن از تاثیرات آن دیواری به دور خود کشید.

### جهانی شدن ارتباطات

«هانتینگتون» گرچه نظریه‌پرداز جهانی شدن نیست و از این واژه استفاده نمی‌کند اما یکی از عوامل گسترش حرکت به سمت مردم‌سالاری و گذر از شکل اقتدارگرایی به شکل مردم‌سالاری از اواسط دهه ۱۹۷۰ به بعد را ناشی از تاثیر وسایل ارتباطات بین‌المللی جدید و بالتبع آن عمیق‌تر شدن دشواری‌های مشروعیت نظام‌های اقتدارگرا و گسترش فرهنگ سیاسی مشارکتی در جهان می‌داند این مرحله را موج سوم دموکراسی می‌نامند. (۳)

فرانسیس فوکویاما از نظریه‌پردازان مشهوری است که در اثر خود تحت عنوان «پایان تاریخ و آخرین انسان»

از دموکراسی لیبرال به عنوان شکل نهایی حکومت بشری یاد می‌کند. نظریه پایان تاریخ او در واقع بیان مشروعیت الگوها و اندیشه‌ها، برداشته‌ها، کردارها و ساختارهای غربی در اقصی‌نقاط جهان است. وی سرمایه‌داری را به عنوان تنها راه توسعه اقتصادی و دموکراسی لیبرال را تنها شکل مطلوب حکومت معرفی می‌کند. همچنین او دموکراسی لیبرال را تنها شکل معقول و عملی و ممکن در مسیر جهانی شدن می‌داند. (۴)

دیوید هلد نیز جهانی شدن سیاست و فرهنگ را اساساً روندی غربی تلقی می‌کند. او بر این عقیده است که در اواخر قرن بیستم شاهد گسترش مردم‌سالاری در سراسر جهان بوده‌ایم. او فرایند دموکراتیک کردن راهی طولانی مدت می‌داند که باید طی شود و لذا باید ایده دموکراسی مجدد طرح گردد. (۵)

رابرتسون به مساله جهانی شدن از بعد فرهنگی و آگاهی‌بخشی سیاسی و اجتماعی می‌نگرد. به عقیده او تشدید آگاهی جهانی همراه با وابستگی متقابل شدید اقتصادی این احتمال که دنیای ما به یک نظام تبدیل شود را افزایش داده است. رابرتسون عقیده دارد که جهانی شدن مستلزم وابسته کردن نقاط مرجع فردی و ملی به مرجع عام و فراملی است از این رو در جهانی شدن لازم است که بین چهار عامل خویشتن فرد، جامعه ملی و نظام بین‌المللی جوامع و بشریت پیوند و ارتباطات فرهنگی و اجتماعی برقرار گردد. (۶)

گیدنز هم در ارتباط با جهانی شدن و افزایش آگاهی‌ها به مساله زمان و مکان اشاره می‌کند. به عقیده او نظام سرمایه‌داری به تنهایی تاریخ بشر را رقم می‌زند و با وجود تحولات جدید و توسعه سازمان‌های بین‌المللی در قرن بیستم، دولت هنوز انحصار ایزار مشروعیت اجبار در چارچوب مرزهایش را حفظ کرده است ولی بخشی از استقلال خود را از دست داده است. به گفته وی جهانی شدن دنباله مدرنیسم و نتیجه دیتامیسم و پویایی آن است نه چیزی جدید. (۷)

همچنین گیدنز بیان می‌دارد که در نتیجه رهایی از اسارت زمان و مکان، روابط اجتماعی و فعالیت‌های اجتماعی گسترش یافته و توسط جریان اطلاعات بازتاب می‌یابد. رسانه‌های جمعی و اینترنت و ماهواره‌ها در انعکاس این فعالیت‌ها و روابط اجتماعی نقش اصلی را داشته‌اند. البته باید گفت که گیدنز جهانی شدن را نتیجه مستقیم نوگرایی در عرصه ارتباطات می‌داند ولی رابرتسون جهانی شدن را حاصل سرمایه داری دانسته و نوگرایی را تشدید کننده آن می‌داند. با این حال هر دو نتیجه جهانی شدن را افزایش آگاهی جهانی و روابط اجتماعی و پیوند محل و جهان و تاثیر متقابل آن دو بر یکدیگر عنوان می‌کنند. (۸)

## مهمترین ویژگی‌های عصر ارتباطات از نظر مک‌لوهان

۱. سرعت بالای فناوری ارتباطی، انفجار زمان و فضا  
در این عصر دیگر حصارهای زمانی و مکانی معنی نمی‌دهد. اینترنت و ماهواره‌ها ظرف چند ثانیه پیام‌ها را به دورترین نقطه دنیا می‌رسانند. الکتریسته یک شبکه جهانی شبیه سیستم اعصاب مرکزی انسان به وجود آورده است که به ما امکان می‌دهد جهان را همچون کل واحد درک کنیم، زیرا تجارب جهانی به یکدیگر پیوند خورده است. مک‌لوهان، آثار تسریع کننده ارتباطات الکترونیکی و حمل و نقل سریع را انفجار اطلاعات می‌نامند. منظور مک‌لوهان از انفجار اطلاعات این است که از این طریق تمام جنبه‌های تجارت انسانی در یک مکان جمع می‌شوند و هر انسانی می‌تواند به طور همزمان حوادث و مناظری را که بسیار از وی دورتر هستند، احساس و لمس کند. مدارهای الکترونیکی، نظام‌های زمان و مکان را در می‌نوردند. پیام این گفت‌وگو یک تغییر تمام عیار و همه جانبه است و به کوتاه‌بینی در کلیه مسائل روانی، اجتماعی و اقتصادی و سیاسی پایان می‌دهد. فوکوما می‌گوید: هیچ چیز نمی‌تواند همانند جمله «جایی برای همه چیز در جای خالی» واقعیت روح فناوری جدید را برساند. بازگشت مجدد به خانه اول محال است. (۹)

مک‌لوهان معتقد است که اگر به عنصر الکترونیک بی‌پروا آزادی عمل داده شود، به نحوی کاملاً طبیعی، دستخوش روند انسان‌گرایی جهان خواهد شد. (۱۰) او در برق، قابلیت از میان برداشتن زمان و مکان را می‌بیند و به زندگی عادی اجتماعی و صنعتی امروز بُعدی افسانه‌ای می‌بخشد. او عقیده دارد، رسانه‌های جدید قابلیت اداره و مهار همزمان مکان‌ها را دارند.

## ۲. سیاسی شدن انسان یا افزایش شدید آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم جهان:

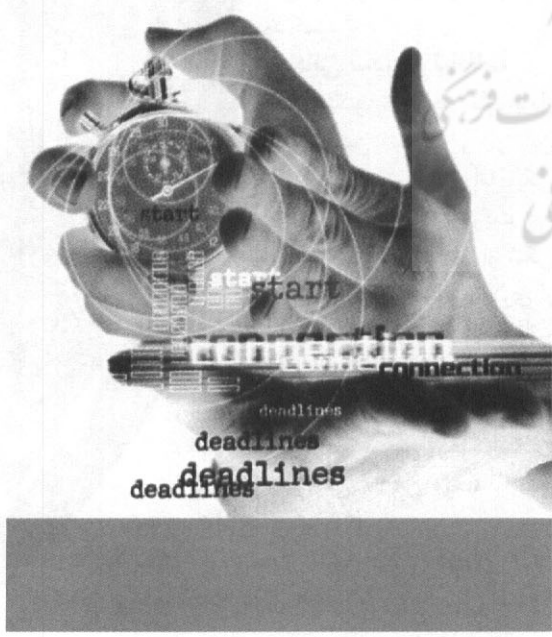
پیش از شروع عصر ارتباطات، آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی مردم جهان کمتر بوده و حاکمان مستبد در شرایط نبود یا کم بودن آگاهی‌های سیاسی مردم، به راحتی و با اقتدارگرایی تمام حکومت می‌کردند. اکنون با شروع عصر ارتباطات و انفجار اطلاعات، جهان به سمت سیاسی شدن هر چه بیشتر، افزایش آگاهی‌های سیاسی، کاهش رژیم‌های اقتدارگر، کوچک شدن دنیا و جامعه مدنی جهانی به پیش می‌رود. در دنیای ماقبل عصر ارتباطات، حوادث جنبه محلی و مکانی داشته‌اند و انسانها در یک مکان، از حوادث سیاسی و

اجتماعی نقاط دیگر جهان بی‌اطلاع بودند یا اینکه خیلی دیرتر اطلاعات به آنها می‌رسید. ولی امروزه، اطلاعات صرفاً به یک محل تعلق ندارد، بلکه به کل دنیا متعلق است. امروزه هر حادثه‌ای که اتفاق می‌افتد، فرازمانی و فرامکانی است و متعلق به کل دنیا است. (۱۱)

## ۳. رمز زدایی از انسان و جامعه در دنیای پیش از ارتباطات:

در فضاهای گنگ، انسان‌ها گنگ و در هاله‌ای از رمز و ابهام قرار می‌گیرند، ولی امروزه در دنیای ارتباطات، ابهام‌زدایی شده و دنیا برای ما شناخته شده است و زمانی که ما از دورترین نقطه دنیا می‌خواهیم صحبت کنیم، همان نقطه را به خانه می‌آوریم. دیگر مثل گذشته نیست که خرافه‌ها به عنوان واقعیت تجلی کنند، بلکه خود واقعیت را با رسانه‌های الکترونیکی به خانه می‌آوریم. (۱۲)

آلویس تافلر در اثر برجسته خود تحت عنوان «موج سوم»، دانایی را به عنوان منبع مهم قدرت در موج سوم یا عصر فرا صنعتی عنوان می‌کند. نکته مهم بحث او در موج سوم، فن‌آوری‌های ارتباطاتی یا انقلاب ارتباطات و دانایی است و به خاطر قدرت فزاینده‌ای که در فناوری ارتباطاتی می‌بیند، خبر از پایان اقتدارگرایی در موج سوم می‌دهد.





## تقسیم‌بندی تاریخ بشری از نظر آلویں تافلر

آلویں تافلر تاریخ بشری را به سه مرحله یا موج تقسیم‌بندی می‌نماید. او موج اول را موج یا تمدن کشاورزی معرفی می‌کند و ویژگی‌های سیاسی موج اول را شخصی بودن حکومت، موروثی بودن، ناامنی، عصر تاریک اندیشی، بیگانه‌گری افراطی و فرهنگ سیاسی محدود بر مبنای پیوندهای قبیله‌ای و نه ملی-مدنی برمی‌شمارد. او ویژگی‌های سیاسی موج دوم یا عنصر صنعتی را با خصوصیات متمرکز و غیرشخصی بودن قدرت سیاسی و شکل‌گیری دولت-ملت یا دولت مدرن با فرهنگ سیاسی بر مبنای وفاداری ملی یا مدنی بیان می‌کند. تافلر با تأکید بر انقلاب ارتباطات و تحقق مرحله فراصنعتی در آمریکا و برخی کشورهای دیگر، جهان را در حال حرکت شتابان به سوی موج سوم و زوال سریع حکومت‌های استبدادی توصیف می‌کند. همچنین اضافه می‌کند در حالی که موج سوم به دگرگون کردن جامعه و افزایش سطح تنوع و پیچیدگی آن ادامه می‌دهد، همه رهبران در اتخاذ تصمیم و اجرای تصمیماتشان به کمک عده روزافزونی از مردم احتیاج خواهند یافت. هر قدر ابزارهای قدرتمندی از قبیل جنگنده‌های مافوق صوت، سلاح‌های اتمی، رایانه‌ها و وسایل ارتباطات راه دور تحت فرماندهی و رهبری قرار داشته باشند، وابستگی وی به مردم نه تنها کمتر نخواهد شد بلکه بیشتر نیز می‌شود. بنابراین تمدن موج سوم، خواهان رهبری به شیوه جدید است. (۱۳)

آلویں تافلر اتفاق انقلاب سیاسی در کشورها را در عصر ارتباطات ضروری می‌داند. او می‌گوید تمدن موج سوم نمی‌تواند مانند تمدن موج دوم بر مبنای اقتدارگرایی و مدیریت متمرکز عمل کند، بلکه در عصری که انفجار اطلاعات است و این امر باعث آگاهی‌های فزاینده جهانی است حوادث جهانی سریعاً به جهان مخابره می‌شود، مدیریت نامتمرکز را ضروری می‌سازد. تافلر، نماد موج سوم را رایانه می‌داند. او این عصر را عصر ارتباطات و اطلاعات می‌داند که منجر به تغییرات اساسی در ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی می‌شود. تافلر عقیده دارد که پیشرفت تمدن موج سوم و انقلاب ارتباطات، مشروعیت بسیاری از حکومت‌های موجود را متزلزل می‌سازد. موج سوم همه فرضیات حکومت اکثریت و عدالت اجتماعی را به مبارزه می‌طلبد. وی موج سوم را دموکراسی اقلیت می‌نامد. (۱۴)

همچنین تافلر بر ضرورت رابطه مستمر نمایندگان و مسئولان با مردم و پاسخگویی به آنان در افزایش مشروعیت حکومت‌ها تأکید می‌کند و عدم پاسخگویی را باعث تزلزل شدید مشروعیت حکومت‌ها می‌داند و از سوی دیگر وی دموکراسی مرسوم را دموکراسی نیمه مستقیم عنوان می‌کند و از آینده‌ای نوید می‌دهد که رایانه و فن‌آوری‌های ارتباطی باعث افزایش مشارکت مستقیم شهروندان در تصمیم‌گیری‌های عمومی و سیاسی شود و براین اساس او لزوم آموزش اجتماعی وسیع مردم برای طرح تجربی دموکراسی نیمه مستقیم را مطرح می‌کند. تافلر گرچه به شکل مستقیم واژه جهانی شدن را توضیح می‌دهد ولی او بیشتر از عنوان انقلاب ارتباطات استفاده می‌کند. تافلر ویژگی‌های ساخت الکترونیکی و ارتباطات را: واکنش‌پذیری، تحرک، تبدیل‌پذیری از یک رسانه به رسانه دیگر، انتقال‌پذیری و اصل حضور در همه جا می‌داند. (۱۵)



## تأثیرات عینی جهانی شدن و انقلاب ارتباطات

### ۱. تحلیل تدریجی حاکمیت دولت- ملت‌ها: (۱۶)

از جنبه‌های مهم جهانی شدن در بعد سیاسی، افزایش تعداد و قدرت همبستگی و پیوندهای سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و کاسته شدن از حاکمیت دولت- ملت است. در عصر جهانی شدن شاهد کاسته شدن از حاکمیت دولت‌ها هستیم که برخی شکل‌گیری جامعه‌ی جهانی در آینده نه چندان دور صحبت می‌کنند. عواملی که در عصر جهانی شدن باعث کاهش حاکمیت دولت‌های ملی شده‌اند عبارتند از: افزایش وابستگی‌های متقابل و جهانی شدن اقتصاد تحت تأثیر فن‌آوری ارتباطی و شرکت‌های فراملیتی که اقتصادهای ملی را تحلیل و تضعیف می‌کند. در نتیجه این امر، بحران‌هایی در عرصه اقتصاد پیش می‌آید که دولت‌های ملی به تنهایی قادر به رفع آنها نیستند. اقتصاد جهانی باعث محدود شدن دامنه سیاستگذاری‌های ملی شده است و اقتصاد ملی را به شدت آسیب‌پذیر ساخته است. مسائل زیست‌محیطی یک مسئله جهانی شده چرا که دولت ملی به تنهایی قادر به رفع آن نیست.

عامل بعدی که در کاسته شدن از حاکمیت دولت- ملت‌ها موثر بوده، افزایش تعداد سازمان‌های غیردولتی در داخل و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی است که در عصر جهانی شدن حاکمیت دولت- ملت‌ها را از زوایای مختلف مانند حقوق شهروندی، حقوق بشر، مسائل زیست‌محیطی و ... به چالش طلبیده‌اند. رشد فزاینده این سازمان‌ها و اعمال فشار از سوی آنها بر دولت‌های ملی حاکی از آن است که دولت‌های ملی تنها بازیگران و کانون‌های تصمیم‌گیر نیستند، بلکه باید کانون‌های تصمیم‌گیر را در جامعه جهانی نیز جستجو کرد که روز به روز مهمتر می‌شوند.

عامل بعدی تهدیدکننده حاکمیت دولت‌ها، فن‌آوری‌های ارتباطاتی مانند ماهواره‌ها، اینترنت، فاکس و غیره هستند که به راحتی مرزهای ملی را درنوردیده و به شدت آسیب‌پذیر ساخته‌اند. (۱۷) این فن‌آوری‌های ارتباطاتی در عصر انفجار اطلاعات، ارزش‌های سیاسی جدیدی را به شهروندان در سطح جهان ابلاغ و مخابره می‌کنند و نقش بسزایی در افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی آنان و به چالش طلبیدن اقتدار و حاکمیت دولت‌های ملی داشته و خواهند داشت.

پیشرفت‌های فن‌آوری در دهه‌های گذشته، عملاً لایه‌های ساختمانی مفهوم امنیت ملی در بُعد کلاسیک و نظامی را به شدت دچار تحول اساسی ساخته است. تحول در ارتباطات و ماهواره‌ها و انفجار اطلاعات منجر به آسیب‌پذیری‌های شدید کشورها از



حیث فرهنگی و سیاسی شده است. شبکه‌های ارتباطی در کنار توسعه شگفت‌آور وسایل حمل و نقل، در عمل جهانی اندام‌وار را تشکیل داده که تمامی اجزای آن در جهت هماهنگی بیشتر پیش می‌روند. در یک کلام، تحت تأثیر فن‌آوری ارتباطاتی و ظهور شاهره‌های عظیم اطلاعاتی و حمل و نقل، رابطه پیچیده میان محیط داخلی و خارجی و یا میان نظام ملی و بین‌المللی پدید آمده است. که مهمترین پیامد آن، افزایش وابستگی‌های متقابل جهانی است. (۱۸)

عامل بعدی که در تهدید حاکمیت دولت‌های تأثیر داشته و دارد، سازمان‌های مرتبط با حقوق بشر و تشدید فعالیت‌های آنها در جهت اعمال فشار به دولت‌ها جهت رعایت حقوق بشر به اعلامیه حقوق شهروندان انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ و اعلامیه حقوق بشر آمریکا در سال ۱۷۷۶ برمی‌گردد. انقلاب ارتباطات و اطلاعات و رشد فزاینده سازمان‌های غیردولتی، ملی و بین‌المللی حساسیت جامعه جهانی به جرات می‌توان گفت که سکان حقوق بشر از دست حاکمیت ملی خارج شده است. (۱۹)

## ۲. قومیت‌گرایی و هویت قومی در مقابل هویت ملی

یکی از آثار جهانی شدن و انقلاب ارتباطات نضج و گسترش قومیت‌گرایی و جدایی طلبی قومی و مذهبی است. قومیت‌گرایی تحت تاثیر مستقیم دو عامل در حال شکل گرفتن است، از یک سو وفاداری‌های مدنی به دلیل تحلیل و آسیب‌پذیری حاکمیت دولت-ملت‌ها در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در حال سست شدن هستند و در عوض شاهد شکل‌گیری اولیه وفاداری قومی مذهبی هستیم و از سوی دیگر قومیت‌ها تحت تاثیر آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی ناشی از انقلاب ارتباطات رو به هویت قومی مذهبی می‌آورند.

بنابراین جهانی شدن دو سمت و سوی متضاد دارد. از سوی جهان در حوزه سیاسی و فرهنگی به سمت شکل‌گیری اولیه جامعه مدنی جهانی، شهروندی جهانی و شکل‌گیری وفاداری مدنی جهانی در کنار وفاداری‌های ملی مدنی پیش می‌رود و از سوی دیگر در جهت عکس به سوی قومیت‌گرایی و منطقه‌گرایی حرکت می‌کند. پس هر دو رویه متضاد یعنی جامعه مدنی و هویت قومی نتیجه تحلیل و تضعیف تدریجی حاکمیت دولت-ملت‌ها و انفجار اطلاعات هستند. اینکه آیا حاکمیت دولت-ملت‌ها کاملا از بین خواهد رفت، قابل پیش‌بینی نیست ولی تضعیف تدریجی آنها آغاز شده است. نکته دیگر آن که آیا قومیت‌های مستقل و جدا شده، رو به مردم سالاری خواهند آورد یا خیر؟ مشخص نیست اما به قدرت فزاینده تکنولوژی‌های ارتباطاتی

## پیشرفت‌های فن‌آوری در دهه‌های گذشته، عملاً لایه‌های ساختمانی مفهوم امنیت ملی در بُعد کلاسیک و نظامی را به شدت دچار تحول اساسی ساخته است

و انفجار اطلاعات احتمال اینکه آنها رو به مردم‌سالاری آورند، وجود دارد. (۲۰)

## ۳. گسترش دموکراتیزه شدن فرهنگ سیاسی مشارکتی و متزلزل شدن مشروعیت رژیم‌های اقتدارگرا:

از نمودهای عینی دیگر جهانی شدن و انقلاب ارتباطات، گسترش دموکراتیزه شدن و فرهنگ سیاسی مشارکتی جهان و متزلزل شدن مشروعیت رژیم‌های اقتدارگرا است. همان‌طور که می‌دانیم از ویژگی‌های مهم انقلاب ارتباطات و جهانی شدن، انفجار زمان و فضا و انفجار اطلاعات بالتبع قدرت فزاینده فن‌آوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و حمل و نقل پیشرفته است که به گفته مک‌لوهان، جهان در حال تبدیل شدن به دهکده جهانی است. در عصر جهانی شدن، اطلاعات و پیام‌هایی که اینترنت، ماهواره و تلویزیون‌ها و نشریات به مردم جهان می‌رساند، آگاهی‌های مردم با آشنایی با مفاهیم مدنی مانند آزادی، حقوق شهروندی، برابری در مقابل قانون، انتقادپذیری، پاسخگویی مسئولان، مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان و غیره، مشروعیت حکومت‌های اقتدارگرایشان را به چالش طلبیده‌اند. حکومت‌های اقتدارگرا با چالش‌های جدی سیاسی و فرهنگی مواجه شده‌اند، این حکومت‌ها برای جلوگیری از شکل‌گیری انقلاب خشن، به ناچار به اصلاح‌طلبی روی آورده و می‌آورند. در واقع فن‌آوری ارتباطاتی و گسترش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی بالتبع آن در جهان امروزی سدی در برابر اقتدارگرایی و اعمال قدرت بی حد و حصر است. تحت تاثیر جهانی شدن ارتباطات، شاهد شکل‌گیری تدریجی فرهنگ سیاسی مشارکتی در جهان حرکت به سمت باز شدن فضای سیاسی هستیم که نمونه آن شکل‌گیری نظام مردم‌سالارانه در ۳۰ کشور جهان در موج سوم دموکراسی است. (۲۱)



اینترنت و فن‌آوری‌های ارتباطی از نظر دامنه دسترسی جهانی است، اما هنوز پوشش آن کامل نشده است و برخی کشورهای عقب مانده از آن بی‌بهره هستند. امروزه نرم‌افزارهای ابر رسانه‌ای با نام‌های «تار عنکبوت گسترده جهانی (World Wide Web)» و «شبکه جهان بیما (Network Navigation)» و «شبکه جهانی (Global)» در دسترس استفاده‌کنندگان هستند و شبکه‌های اینترنتی، فرصتی برای تحقق «مراجع شبیه‌سازی شده» فراهم می‌آورند که مک‌لوهان آن را دهکده جهانی می‌نامد.

در عصر جهانی شدن، حاکمان اقتدارگر مجبور می‌شوند که برای کسب مشروعیت سیاسی، در پاسخ به افزایش آگاهی‌های جهانی و تشدید روابط جهانی و گسترش سازمان‌های حقوق بشر و غیردولتی در جهت پاسخگویی هرچه بیشتر به مردم و کاستن از اقتدارگرایی خود و گسترش مشارکت واقعی مردم حرکت کنند و فرهنگ سیاسی مشارکتی را به تدریج جایگزین فرهنگ سیاسی تبعی کنند و به عبارت دیگر مشارکت فعال واقعی احزاب و تشکیلات مدنی و صنفی را جایگزین مشارکت عمودی، منصفانه و از بالا و پایین یا فرمایشی نمایند. امروز شاهد گسترش رفتارهای سیاسی و اجتماعی مشارکتی شهروندان در جهان هستیم که حکومت‌های اقتدارگرا به سرعت قدرت مقاومت خود را در برابر چالش‌های سیاسی و اجتماعی مردم از دست می‌دهند. (۲۲)

#### ۴. گسترش جنبش‌های اجتماعی نوین و جهانی

جنبش‌های اجتماعی نوین و جهانی را می‌توان هم به عنوان مشخصه‌ای از جهانی شدن سیاسی و فرهنگی نگریست و هم به عنوان کارگزار و بازیگر اجتماعی مهم در کنار دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تلقی کرد. ظهور و گسترش جنبش‌های اجتماعی بین‌المللی منجر به بازنگری در جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک و ظهور جامعه‌شناسی سیاسی (با محوریت رابطه دولت و نیروهای اجتماعی داخلی) در ارتباط با بازیگران و نیروهای اجتماعی بین‌المللی مانند جنبش سبز، خلع سلاح، حقوق بشر، محیط‌زیست زنان و غیره می‌باشد. جنبش‌های اجتماعی جدید در مسائل فوق، توان دولت‌های مدرن را به شدت به چالش طلبیده‌اند و دولت‌ها را ناگزیر ساخته‌اند که در تصمیم‌گیری‌های خود نظارت آنها را لحاظ کنند. (۲۳)

#### نتیجه‌گیری

به طور کلی باید گفت که جهانی شدن یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌های پایانی قرن بیستم محسوب می‌شود. امروز نیز که وارد قرن بیست و یکم شده‌ایم از پیچیدگی‌های آن کاسته نشده و روز به روز بر دامنه آن افزوده می‌شود. در حقیقت جهانی شدن جامع‌ترین مفهومی است که مهمترین و حیاتی‌ترین تحولات جهانی در حوزه تکنولوژی، اقتصاد، سیاست، ارتباطات و فرهنگ را دربر می‌گیرد. مساله مهم این است که بر اثر فرآیند جهانی شدن نقش عوامل مختلف بین‌المللی در تعیین شکل زندگی سیاسی در داخل کشورها بسیار موثرتر از گذشته شده است و به گسترش ارتباطات بین‌المللی دستگاه‌های ایدئولوژیک دولتی سلطه پیشین خود را از دست می‌دهند و مردم به نحو فزاینده‌ای در معرض امواج اطلاعات رسانه‌های جهانی قرار می‌گیرند. امروزه آنچه که به یک زمزمه همگانی تبدیل شده این است که جهان به شکلی که می‌شناسیم با این همه بزرگی، جهان کوچکی است و در حقیقت به قول مارشال مک‌لوهان و کوئینتین فایور، اکنون تمام دنیا یک پیر فرزانه است و دیگر آنجایی وجود نخواهد داشت چرا که ما همه اینجا خواهیم بود. بنابراین جهت شناخت جهان پیچیده و پرتناقض امروزی، چاره‌ای نداریم که با تئودور لویت هم عقیده باشیم یعنی اینکه جهانی بیندیشیم، محلی عمل کنیم؛ زیرا به قول دنیس. آر. لیتل با این همه رنگ‌های تماشایی در جهان نباید همه چیز را سیاه و سفید ببینیم.

## منابع مورد استفاده:

۱. کاظمی، علی اصغر، جهانی شدن فرهنگ و سیاست، انتشارات قومس، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۲-۸
۲. پرویزی، بهزاد، بررسی تحول مفهوم دولت در عصر جهانی شدن، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۴، ص ۱۶۱-۱۶۰
۳. هانتینگتون، ساموئل، موج سوم دموکراسی، ترجمه احمد شمس، چاپ اول، انتشارات روزنه، تهران، ۱۳۸۱، ص ۵۴-۵۳
۴. دهشیار، حسین، جهانی شدن: تکامل فرآیند برون‌بری ارزش‌ها و نهادهای غربی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال پانزدهم، مهر و آبان ۱۳۷۹، شماره ۱۵۸-۱۵۷، ص ۹۴-۹۱
۵. هلد، دیوید و دیگران، جامعه مدنی جهانی، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۸، ص ۱۳۱-۱۲۵
۶. واترز، مالکوم، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، تهران، ۱۳۷۹، ص ۶۷-۶۶
۷. کیت‌نش، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمدتقی دلفروز، نشر کویر، تهران، ۱۳۸۰، ص ۹۰
۸. واترز، همان، ص ۷۹-۷۴
۹. رهبر، عباسعلی، تاثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایران و تغییر نگرش انتخاباتی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی- دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی- شماره ۲، زمستان ۱۳۸۴، ص ۶۲
۱۰. جیمز دبلیوگری، ارتباطات و فرهنگ، ترجمه مریم داداشی، چاپ اول، نشر نقطه، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۷۵-۱۷۴
۱۱. رهبر، همان، ص ۶۳-۶۲
۱۲. ساروخانی، باقر، دنیای ارتباطات و آسیب‌های آن، ماهنامه جامعه سالم، سال چهارم، اسفند ۱۳۷۲، شماره ۱۹، ص ۳۳
۱۳. تافر، آلوین، موج سوم، ترجمه شهین دخت خوارزمی، نشر نو، تهران، ۱۳۶۶، ص ۵۵۷-۵۴۱
۱۴. تافر، آلوین و تافر، هایدی، به سوی تمدن جدید، ترجمه محمدرضا جعفری، چاپ سوم، نشر سیمرخ، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۲۵-۱۲۰
۱۵. همان
۱۶. رهبر، همان، ص ۸۰-۷۱
۱۷. Roler Latham , social sovereignty , theory culture and society , London , bol ۷ , No۴.augast ۲۰۰۰ , p.۱۱
۱۸. کیوان حسینی، سیداصغر، مقدمه‌ای بر چارچوب نظری روابط متقابل فن‌آوری و فرهنگ، راهبرد، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۷۶، ص ۱۹
۱۹. مولایی، آیت، حقوق بشر و حاکمیت، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال چهاردهم، مرداد و شهریور ۱۳۷۸، شماره ۱۵۶-۱۵۵، ص ۱۳۱-۱۳۴
۲۰. رهبر، همان، ص ۷۷-۷۶
۲۱. همان
۲۲. همان، ص ۷۸
۲۳. همان، ص ۷۹

